

نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء

شاپور راسخ

مقدمه

در آغاز سخن شایسته است که معرفی اجمالی از نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء، که شامل ۱۴ لوح صادر شده در سالهای ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ است، صورت پذیرد. الواح مذکور را که حضرت ولی امرالله در توقیعات انگلیسی خود Tablets of the Divine Plan، یعنی الواح نقشه الهی، خوانده‌اند، در ترجمه مصوب کتاب قرن بدیع در مورد آنها دو اصطلاح الواح تبلیغی و نقشه ملکوتی بکار رفته و حضرت ولی امرالله در توقیع فارسی نوروز ۱۰۱ بدیع به احبای ایران آنها را فرمان الهی و یرلیغ بلیغ تبلیغ نامیده‌اند.^۱ این الواح در جلد سوم مکاتیب حضرت عبدالبهاء، چاپ مصر، درج شده است و صفحات ۲ تا ۶۴ را دربر می‌گیرد. دوره اول صدور این الواح سال ۱۹۱۶ بوده (۸ لوح)، و دوره دوم سال ۱۹۱۷ (۶ لوح)، و مخاطبان آنها احباء و اماء رحمن در مجموع کشورهای آمریکا و کانادا، یا بعضی از ایالات و مناطق آمریکا بوده‌اند. این الواح فرمان انتشار کلمه الله در آمریکای شمالی و بعد قارات و سرزمین‌های دیگر است، و چنانکه بجای خود خواهد آمد در ادیان گذشته نظیر و مثل نداشته است.

الواح مذکور در بحبوحه جنگ جهانی اول، در حالی که اوضاع اراضی مقدسه نیز آشفته بود، عز صدور یافته و نقشه بسط و گسترش امر الهی را در پهنه کره زمین ترسیم کرده است، و حدود ۲۰ سال بعد، طی نقشه هفت‌ساله اول بهائیان آمریکا

(۱۹۳۷-۱۹۴۴)، و به دنبال آن نقشه‌های گوناگون در سایر ممالک، اجرای مفاد آن آغاز شده و بی‌گمان در سراسر عصر تکوین ادامه خواهد یافت. حضرت ولی عزیز امرالله از این الواح به کلمه charter یا منشور^۲ یاد کرده‌اند. آن حضرت در آثار خود از سه منشور سخن می‌گویند: لوح کرمل، که منشور مرکز جهانی امر بهائی است؛ الواح وصایا، که منشور نظم اداری امر الهی است؛ و بالاخره الواح فرامین ملکوتی، که منشور نشر و توسعه این آئین نازنین در سراسر جهان است.^۳

اهمیت این فرامین تبلیغی

کمتر اثری از آثار حضرت مولی‌الوری است که در زندگی اکثر احباء و جامعه بهائی به اندازه این الواح ملکوتی مؤثر افتاده و به عبارت دیگر به اندازه این الواح "سرنوشت‌ساز" باشد. اهمیت این فرامین، چنانکه در کتاب "قرن بدیع" آمده، چنان است که فقط در طول زمان مکشوف و معلوم عالمیان خواهد شد. مأموریت مقدسی که حضرت عبدالبهاء در این الواح به "مشعل‌داران مدنیت الهی" تفویض فرمودند، به فرموده حضرت ولی امرالله: "هنوز پس از مضمی یک ربع قرن، مقام و منزلتش از انظار مستور و اثرات فائقه آن مکتوم و مجهول و آنچه تاکنون از آثار بهیه و نتایج باهره آن ظاهر و هویدا گشته و صفحات تاریخ قرن اول بهائی را مجلل و مزین ساخته است رشحی از نوایای عالیه و مآرب سامیه متعالیه‌ای است که آن سالار جند هدی از صدور این نقشه ملکوتی در نظر داشته و به مرور ایام به تأییدات الهیه و توفیقات لاریبیه صمدانیه از حیث غیب به عرصه شهود خواهد آمد و عالم گون را به انوار مضمیته‌اش روشن و تابناک خواهد ساخت." (ص ۶۲۲)

حضرت ولی عزیز امرالله، همان طور که جناب علی نخجوانی در مقاله‌ای راجع به اولین نقشه تبلیغی آمریکا مرقوم داشته‌اند، دوران سی و شش ساله ولایت امر را عمدتاً به سه کار تخصیص دادند، و آن اجرای سه منشور حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء، منجمله فرامین ملکوتی تبلیغ بود: "حضرت ولی امرالله، در اوایل ۱۹۵۵، حدود سی ماه قبل از صعودشان، برای اولین بار روشن فرمودند که

دوران تصدی ایشان تحت تأثیر سه منشور هدایت و رهبری گردیده و مندرجات این سه منشور مهم هم‌چنان سرچشمه هدایت برای پیشبرد و گسترش امر الهی در سراسر دور بهائی خواهد بود..."^۴

اجرای الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء فی الحقیقه چهره جامعۀ بهائی را دگرگون کرد و آن را از حالت شرقی به صورت جهانی درآورد. چنانکه جناب محمدعلی فیضی نوشته‌اند: تعداد ممالک در ظلّ امر مبارک در عهد ابهی فقط ۱۵ بود، و به طور عمده شرقی. در زمان حضرت عبدالبهاء بیست کشور بر آن عدد افزوده شد (۴ کشور آسیائی، ۹ کشور اروپائی، ۲ کشور آفریقائی، ۴ کشور در قارات شمالی و جنوبی آمریکا، و یک کشور دیگر که استرالیا باشد)، و هنگامی که به اهتمام یاران آمریکا در سال ۱۹۳۷ و بعد یاران سایر ممالک در اجرای همان فرامین ملکوتی پس از جنگ دوم جهانی دامنه مجاهدات و فتوحات وسعت گرفت، جامعۀ بهائی از نظر تعداد ممالک و سرزمین‌های مستقله و تابعه که تحت اشرافش بودند مرتبۀ دوم را، بعد از مسیحیت دوهزار ساله، احراز کرد، و این از برکت همان الواح الهی بود.

الواح ملکوتی در چه شرائطی عزّ صدور یافت؟

دستۀ اوّل الواح ملکوتی در فاصله ۲۶ مارس و ۲۲ آوریل سال ۱۹۱۶ صادر شده (۸ لوح)، و دستۀ دوم در فاصله ۲ فوریه و ۸ مارس سال ۱۹۱۷ (۶ لوح)، یعنی با فاصله ده ماه بین دستۀ اوّل و دستۀ دوم. و اما محل صدور الواح نیز مشخص است: سه لوح در اطاق مبارک در بهجی نگاشته شده، یک لوح در جلوی بیت مبارک در بهجی، سه لوح در باغچه خارج روضه مبارکه در بهجی، سه لوح در اطاق جمال مبارک در بیت عکا، سه لوح در بالاخانه اسمعیل آقا در بیت مبارک حیفا، و یک لوح در سه نقطه، یعنی اطاق مبارک، مسافرخانه، و باغچه خارج روضه مبارکه در بهجی. به عبارت روشن‌تر هیچ یک از آن الواح در اطاق کار مناسبی که شایسته "سالار جُند هُدی" باشد نوشته نشده است، در حالی که می‌دانیم وقتی فرماندهان نظامی می‌خواهند نقشه‌ای بکشند، در اطاقی مجهز به همه وسائل کار مجتمع می‌شوند. شگفت آنکه حتی اطرافیان نزدیک به حضرت

عبدالبهاء متوجه نشدند که آن حضرت در کار نگارش چه سند مهم و سرنوشت‌سازی بوده‌اند.

فی‌المثل وقتی حضرت عبدالبهاء مشغول نگارش لوح ششم بودند، که در آن دستور فتح یکایک ممالک آمریکای مرکزی و جنوبی را صادر می‌فرمودند، محل صدور لوح، در ۸ آوریل ۱۹۱۶، باغچه‌خارج روضه مبارکه در بهجی بوده. جناب بدیع بشروئی، که ملازم حضور مبارک بودند، در یادداشت‌های روزانه خود مربوط به همان روز می‌نویسند:

"روز شنبه ۸ آپریل ۱۹۱۶: قبل از ظهر به زیارت تشریف بردند، ولی داخل روضه نشدند. در طرف غرب روضه ایستاده امر فرمودند زیارت‌نامه تلاوت شد. بعد به باغچه‌روضه مبارکه تشریف بردند و قدری آب کشیدند از برای گل‌ها و جالس شدند. مکاتیبی از امریک رسیده بود، ترجمه شد، و الواحی چند نازل شد، تا ظهر. قدری در صحرا گردش فرمودند و در میان گل‌ها استراحت نمودند..."

همین و بس.

زمان صدور الواح ملکوتی مقارن با جنگ جهانی و هنگام ویرانی عالم است. اوضاع ارض اقدس نیز متشنج است. اما این عوامل نامساعد مانع آن نمی‌شود که حضرت عبدالبهاء به طراحی گسترش امرالله و بنیادگذاری یک جامعه و مدنیّت جهانی اهتمام فرمایند.

به عنوان نمونه حوادثی که مقارن صدور الواح ملکوتی، یا اندکی بعد از آن، واقع شد، و ناچار مشغله خاطر همگان بود، چند نمونه را ذیلاً یاد می‌کنیم:

- در تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۱۶ انگلستان و فرانسه، طی عهدنامه‌ای، مناطق تحت نفوذ امپراطوری عثمانی را محدود کردند، ضربه‌ای که سرانجام به متلاشی شدن این امپراطوری منجر شد؛

- در ۲۲ مارس ۱۹۱۶ امپراطوری چینی یوان شیکای بالکل بهم ریخت؛

- در ۱۵ مارس همان سال اطریش-هنگری به پرتغال اعلام جنگ کرد؛

- در ۲۷ اوت ایتالیا به آلمان اعلام جنگ کرد، و رومانی به اطریش-هنگری؛

- در ۲۸ اوت آلمان به رومانی اعلام جنگ کرد؛

- در ۳۰ اوت ترکیه به رومانی اعلام جنگ کرد؛
- و بالاخره در فاصله ژانویه و مارس ۱۹۱۷ رژیم امپراطوری در روسیه پایان می‌گیرد.

اوضاع فلسطین و اراضی مقدسه هم در آن ایام بسیار مغشوش بود، به طوری که در ۹ دسامبر ۱۹۱۷ ژنرال النبی وارد بیت المقدس شد، و معلوم بود که به زودی حکومت عثمانیان بر اراضی مقدسه پایان خواهد گرفت. و چنان که جناب بالیوزی در کتاب خود آورده حضرت عبدالبهاء در این دوره انتقالی در خطر عظیم بودند (از جانب دشمنان مسلمان).

در چنین روزگاری است که حضرت عبدالبهاء، با صدور این الواح مبارکه، پایه‌های تجدید بنای تمدن غرب را بر شالوده روحانیت، صلح، و وحدت می‌گذارند. بعضی از عبارات الواح ملکوتی در ارتباط با این موضوع درخور نقل است:

در لوح چهارم می‌فرمایند: "حال وقت آن است که شما به این خدمت عظمیٰ [انتشار کلمة الله و ندا به ملکوت الهی] قیام کنید و سبب هدایت جم غفیری گردید، تا به این سبب انوار صلح و سلام جميع آفاق را روشن و منور نماید و عالم انسانی راحت و آسایش یابد." (ص ۱۱)

در لوح پنجم می‌فرمایند: "خدا در قرآن عظیم می‌فرماید که روزی آید که انوار توحید بر جميع آفاق بتابد (و اشرق الارض بنور ربها)، یعنی زمین به نور خدا روشن می‌شود، و آن نور، نور توحید است." (ص ۱۴)

و در لوح هفتم می‌فرمایند: "این حرب جهانسوز نه چنان آتش به قلوب زده که وصف داشته باشد. در جميع اقالیم آرزوی صلح عمومی مضمّر ضمائر است. نفسی نمانده که آرزوی صلح و سلام ننماید، استعداد عجیبی حاصل و این از حکمت بالغة الهی تا استعداد حاصل شود و علم وحدت عالم انسانی و اساس صلح عمومی و تعالیم الهی در شرق و غرب ترویج یابد." (ص ۲۳)

و در آخرین لوح (۶) از دوره دوم، دین الهی را جهت جامعه بشریت معرفی می‌فرمایند، و اظهار می‌دارند که اگر احباء به نشر و اجرای آن موفق شوند عالم عالم دیگر شود.

باید متذکر بود که، به قول جناب حسن موقر بالیوزی، وقتی امر مبارک حدّ اکثر در ۳۵ کشور عالم منتشر بود، حضرت عبدالبهاء ذکر لزوم انتشار امر الهی را در ۱۲۰ سرزمین و جزیره^۶ طی الواح ملکوتی مطرح فرمودند.

چرا عنوان «لوح»؟

نادر است آثار حضرت عبدالبهاء که چون فرامین ملکوتی، الواح وصایا، و لوح لاهه به عنوان لوح علم شده باشد، زیرا بیش و کم عنوان الواح برای آثار حضرت بهاءالله پذیرفته شده. می‌دانیم که در تاریخ ادیان لوح هم به معنی صحیفه^۷ قانون آمده، چون الواح احکام عشره^۸ حضرت موسی، و هم به معنی لوح محفوظ، یعنی علم الهی.^۹ احبّاء در باره آثار حضرت بهاءالله، به استناد لوح مبارک هیکل، کلمه الواح را به معنای منبعث از علم الهی، یعنی وحی شده، به کار می‌برند، و حال آنکه آثار حضرت عبدالبهاء به عنوان مکاتیب خوانده می‌شود. ولکن، در مکاتیب جلد سوم چهارده مکتوب مورد بحث را الواح عمومی لقب داده‌اند، و این عنوان به یک اعتبار درست است، زیرا گوئی فرامین ملکوتی نظیر الواح جمال ابهی ثمره علم الهی است که از سوی مرکز و مطلع وحی، یعنی حضرت بهاءالله، در قلب مرّد و مصفّای حضرت عبدالبهاء عزّ نزول حاصل کرده و مشمول بیانی از حضرت ولی امرالله در توفیق دور بهائی است که فرموده‌اند: "حضرت عبدالبهاء مستقیماً از شارع و مؤسس امر بهائی اقتباس نور و الهام و فیض می‌فرمایند، و به مثابه مرآت صافیّه کامله، انوار عظمت و جلال حضرت بهاءالله را منعکس می‌کنند." (ص ۶۷)

همان طور که در مورد الواح وصایای حضرت عبدالبهاء فرمودند: "الواح وصایای مبارکه را می‌توان به منزله ولیدی دانست که طبعاً از اقتران معنوی آن نافخ قوه مؤلّده مشیّت الهیه با واسطه ظهور و حامل برگزیده آن قوه بوجود آمده." (ص ۷۱) اما عنوان ملکوتی یا الهی که در باره این الواح توسط حضرت ولی امرالله مستعمل شده (divine) هم اشاره به آن می‌کند که این الواح از منشأ قدسی تراوش کرده است، و با مکاتیب عادی حضرت عبدالبهاء قابل مقایسه و مماثله نیست.

خود حضرت عبدالبهاء کلمه الهی یا آسمانی-ملکوتی را به فراوانی تمام در این چهارده مکتوب به کار می‌برند. مخاطبان در لوح اوّل منادیان آسمانی خوانده شده‌اند، در لوح دوم منادیان به ملکوت‌الله، در لوح سوم نفوس آسمانی، در لوح چهارم ابناء و بنات ملکوت. همین عنوان در آغاز لوح پنجم تکرار شده. در لوح دوازدهم مخاطبان یاران و اماء رحمن مختارین ملکوت هستند، و لوح آخرین با عنوان «ای نفوس آسمانی و ابناء و بنات ملکوت» شروع می‌شود. شأن این الواح به طور حتمی از همین جا معلوم می‌شود، چون منسوب به ملکوت الهی است، یعنی عالم امر، و به یک اعتبار یعنی عالم مشیت الهی.

در مکاتیب، ج ۳، ص ۳۵۶، حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند: "اهل حقیقت وجود را در سه مرتبه بیان نموده‌اند: حقّ و امر که عبارت از مشیت اوّلیه باشد و خلق و مشیت اوّلیه که عالم امر است باطن اشیاست و جمیع کائنات مظاهر مشیت الهیه است،^۱ نه مظاهر حقیقت و هویت الهیه."

در لوح دیگر فرموده‌اند (یادنامه مصباح منیر، صص ۴۱۸-۴۱۹): "باری، افق ابهی و ملکوت اعلی عبارت از عالم الهی و جهان رحمانی، یا مقر سلطنت روحانی و کامرانی احبای رحمانی است. جمال قدم و اسم اعظم روحی لاحبائه الفداء قبل از اشراق در افق امکان، و بعد از غروب، بر سریر عظمت آن جهان حقیقت مستقرّ بوده و حال نیز چنین است."

الواح الهی یا ملکوتی به این اعتبار الواح منسوب به مظهر کلی الهی حضرت بهاء‌الله و انعکاس مشیت آن حضرت در عالم ملک می‌شود.

چگونه الواح ملکوتی به آمریکا رسید؟

چون هنگام تحریر الواح مذکور جنگ بین‌الملل اوّل درگیر بود، و آمریکا ناچار شد که در ۶ اپریل سال ۱۹۱۷ وارد جنگ شود، و از این پس ارتباطات ارض اقدس با آمریکا مقطوع بود، لذا حضرت عبدالبهاء الواح مذکور را در سردابه زیر مقام اعلی محفوظ داشتند، تا پایان جنگ رسد. و در نتیجه سال ۱۹۱۹ بود که احبباء در فاصله ۲۶ اپریل و اوّل می در هتل مک‌آلپین در نیویورک مجتمع شدند و آن الواح چهارده‌گانه را زیارت کردند. در مراسم «پرده‌برداری» از این الواح

میس مری ماکسول، یعنی روحیه‌خانم آینده، حاضر بودند و نقشی داشتند. بلافاصله بعد از اطلاع بر مضمون آن الواح، زوج عزیز، آقا و خانم دان، و میس مارثا روت، به اطاعت و پیروی از اوامر مبارک قیام کردند و به سفرهای تبلیغی مبادرت نمودند، قیامی که فی‌الحقیقه قعود در پی نداشت، چنانکه به جای خود گفته خواهد آمد. ناگفته نماند که ۵ لوح نخستین از الواح چهارده‌گانه قبلاً در همان سال ۱۹۱۶ (۸ سپتامبر) در مجلهٔ نجم باختر چاپ شده بود، و این امر قبل از قطع ارتباطات با ارض اقدس روی داد، و چنانکه می‌دانیم الواح مذکور مخصوص هدف‌های داخلی آمریکا و کانادا بود، و فقط بعد از اپریل ۱۹۱۹^۹ نه لوح بعدی و اهداف خارجی آمریکای شمالی به اطلاع عموم احباء رسید.

چرا جامعهٔ آمریکای شمالی مخاطب قرار گرفت؟

هنگامی که حضرت عبدالبهاء اولین لوح از الواح ملکوتی را مرقوم می‌فرمودند، یعنی در تاریخ ۱۹۱۶/۳/۲۶، فقط ۲۲ سال از ورود امر مبارک به آمریکا گذشته بود.^۹ بر طبق سرشماری ایالات متحده، در سال ۱۹۱۶ عدهٔ بهائیان در آن سرزمین فقط به ۲۸۸۴ نفر می‌رسید. حضرت عبدالبهاء کاملاً وقوف به قلت منابع انسانی و امکانات مالی احبای آمریکای شمالی داشتند، چنان که در لوح سیزدهم، خطاب به احبای کانادا فرموده‌اند: "نظر به قلت خویش و کثرت اقوام ننمائید." (ص ۵۵) و همین مطلب را به طور ضمنی در بارهٔ احبای ایالات متحده فرموده‌اند: "قریب ۲۳ سال است که نفحات الهی در امریک نشر یافته، ولی حرکت چنانکه باید و شاید حاصل نگردیده، جوش و خروش نزده." (ص ۴۲) معذک، چنین جامعه‌ای را برای مسئولیت عظیم و خطیر ابلاغ و انتشار امرالله در سراسر جهان انتخاب فرمودند. علت این انتخاب چه بود؟ می‌توان احتمال داد که اولاً حضرت عبدالبهاء در سفر تاریخی خود به آمریکا (۱۹۱۲) استعداد روحانی در آمریکائیان دیده بودند، چنانکه در بدایع الآثار (ج ۱، ص ۴۰۱) از آن حضرت نقل شده که فرموده‌اند: "آمریکا استعداد دارد."

ثانیاً، می‌توان حدس زد که ثبات اکثریت احبای آمریکا بر عهد و میثاق بعد از نقض عهد ابراهیم خیرالله رضایت خاطر مرکز پیمان الهی را به خود جلب کرده بود.

ثالثاً، محتمل است که آزادی نسبی مذهبی در آمریکا، در حالی که امر هنوز در برخی از ممالک در مرحلهٔ مقهوریت و مظلومیت قرار داشت، عامل مثبت دیگری در نظر آن حضرت بود.

فراموش نکنیم که حضرت شوقی ربّانی در توفیق "ظهور عدل الهی" صفحاتی را به ستایش جامعهٔ بهائی آمریکا اختصاص داده و در حق آنها فرموده‌اند: "اعقاب روحانی مطالع الانوار عصر رسولی." (ترجمهٔ فارسی، ص ۱۵) و ضمناً آمریکا را "مهد متین نظم بدیع جهانی" خوانده‌اند (ص ۱۳)، و بی‌گمان اساس نظم اداری بهائی، علی‌رغم قدمت ایران، در آمریکا گذاشته شد (البته در عصر حضرت ولی امرالله، با سوابقی چند در دورهٔ حضرت عبدالبهاء).

هدف این الواح چه بود؟

هدف اول این الواح آن بود که یاران خطهٔ امریک را به نجوم هدایت کبری روشن کنند. هدف دوم رهنمون‌شدن سراسر کرهٔ ارض به کلمهٔ الهی بود. الواح اولیه معطوف به هدف نخستین بود، ولی از لوح ششم به بعد دایرهٔ ممالک مورد نظر توسعه می‌یابد، و چنانکه در لوح هشتم آمده: "خلاصه به عموم ممالک و جزائر عالم سفر کنید. در اندک زمانی نتایج عظیمه حاصل گردد." و به دنبال آن هدف غائی را یادآور می‌شوند که "علم صلح عمومی در قطب عالم موج زند و انوار وحدت عالم انسانی جهان را روشن نماید." (ص ۲۲) همچنین، در لوح هفتم می‌فرمایند: "من بعد هزار مرتبه بر همت بیفزائید و در این ممالک و پایتخت‌ها و جزائر و محافل و کنائس ندا به ملکوت ابهی کنید، و دایرهٔ همت باید وسیع گردد، و هرچه وسیع‌تر شود موفقیت بیشتر گردد." (ص ۲۴) از لوح نهم به بعد، مجدداً حضرت عبدالبهاء به موضوع نشر امرالله در آمریکا و کانادا بازمی‌گردند.

اجرای کامل الواح ملکوتی مستلزم وجود تشکیلات بود.

اجرای کامل الواح ملکوتی که در آن ذکر حدود ۱۳۰ کشور و سرزمین آمده بی‌گمان مستلزم وجود تشکیلات بوده و این حقیقتی است که از خود الواح مذکور هم استنباط می‌شود.

مثلاً در لوح سوم، بعد از ذکر پاره‌ای از مناطق آمریکا، می‌فرمایند: "اگر ممکن گردد نفوسی منقطع الی الله و منزّه و مقدّس به آن صفحات بفرستید." در لوح چهارم هم دستور اعزام نفوسی به بعضی از ایالات آمریکا است، و در این موارد البته افراد را نمی‌توان مسئول قرار داد. در لوح ششم به استقرار خانمی بهائی در آلاسکا به عنوان کتابدار کتابخانه عمومی اشاره می‌فرمایند و اضافه می‌فرمایند: "ولی ندا به ملکوت الهی هنوز در آن اقلیم وسیع بلند نشده." به عبارت دیگر، تشکیل گروه و جامعه‌ای بهائی برای ایفای وظیفه تبلیغ ضرور است. یا وقتی در همان لوح اشاره می‌فرمایند که باید نفوسی به ۶ جمهوری آمریکای مرکزی بروند، تصریح می‌فرمایند: "نفوسی که به آن صفحات می‌روند باید به لسان اسپانیولی مألوف باشند." و در اینجا هم پای تشکیلات ناچار در میان می‌آید که در انتخاب یا تعلیم نفوس به زبان مذکور اهتمام کنند. در لوح هفتم لزوم وجود تشکیلات بارزتر می‌شود وقتی امر می‌فرمایند: "کتب و رسائلی به لسانهای این ممالک و جزائر یا ترجمه نمایند و یا تألیف کنند و در این ممالک و جزائر نشر دهند." در لوح هشتم ایجاد تشکیلات خاصی را برای نشر کلمه‌الله در ممالک سائره توصیه می‌فرمایند: "هم‌چنین، هر وقت ممکن شود، یک دائره ترجمه الواح تأسیس شود." و "هم‌چنین مجله نجم باختر را در نهایت انتظام تحریر نمایند، ولی مندرجات باید مروج امرالله باشد، تا کلّ در شرق و غرب مطلع بر وقایع مهمه گردند."

با این مقدمات، عجیب نیست که جامعه آمریکا حدود بیست سال به تمهید مقدمات پرداخت، تا بالاخره در سال ۱۹۳۷ به اجرای فرامین ملکوتی حضرت عبدالبهاء آغاز کرد.^{۱۲}

یادآوری این نکته مفید است که حضرت ولی امرالله دو سال قبل از آن (۱۹۳۵) به احبای آمریکای شمالی اعلام فرمودند که در سال بعد در عین اوضاع نابسامان

و وخیم دنیا زمان آن می‌رسد که تعلیمات حضرت بهاء‌الله به جماعات بی‌شماری از مردم که تشنهٔ چنین تعلیماتی هستند برده شود. در همان سال، در فرصت دیگر احبای آمریکا را به اجرای الواح ملکوتی که دست تقدیر بر عهدهٔ آنان نهاده تشویق فرمودند و گفتند با این کار درهائی بر سرنوشت بسیار شکوهمند آن سرزمین گشوده خواهد شد.

حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۳۷ دستور فرمودند که کانونشن مشترک کانادا و آمریکا جلسات خود را طولانی‌تر کند و به مشورت در مورد وظائفی که در اجرای نقشهٔ هفت‌ساله به عهده خواهند داشت پردازند. هدف‌های عمدهٔ نقشه چنین تعیین شد:

اول - تکمیل تزئینات خارجی مشرق‌الاذکار ویلمت.

دوم - تشکیل یک محفل روحانی محلی در هر ایالت و هر ولایت آمریکای شمالی و آلاسکا.

سوم - ایجاد یک مرکز امری در هر یک از جمهوری‌های آمریکای لاتین و جزائر کارائیب.

و به موقع خواهیم گفت که علی‌رغم مشکلات ناشی از شروع جنگ جهانی دوم، و بعد ورود آمریکا در جنگ، این نقشه با موفقیت کامل به اجرا درآمد، و در نتیجه آمریکا آمادگی بیشتری برای اجرای آنچه حضرت عبدالبهاء در الواح ملکوتی فرموده بودند حاصل کرد: "این ندای الهی چون از خطهٔ امریک به اروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد، احبای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیت و هدایت ایشان به آفاق رسد و آوازهٔ بزرگواریشان جهانگیر گردد." (مکاتیب، ج ۳، ص ۲۱)

و خصوصاً در نقشهٔ دوم هفت‌ساله و طی جهاد کبیر اکبر سالهای ۱۹۵۳-۱۹۶۳ بود که آمریکا بیش از همهٔ جوامع دیگر بهائی به فتح روحانی اقالیم سایره توفیق یافت.

القاب و عناوین مرحمتی به مخاطبان الواح

بنیاد الواح ملکوتی، یعنی یرلیغ تبلیغ بر تشویق، تشجیع، و تقویت عزت نفس در مخاطبان است. عناوینی که حضرت عبدالبهاء به مخاطبان الواح ملکوتی مرحمت کرده‌اند درخور تأمل و توجه خاص است. در خطاب به احبای امریک و کانادا می‌فرمایند:

- ۱- ای منادیان آسمانی؛
 - ۲- ای منادیان ملکوت‌الله؛
 - ۳- ای نفوس آسمانی، ای محافل روحانی، ای مجامع ربّانی؛
 - ۴- ای ابناء و بنات ملکوت؛
 - ۵- ای ابناء و بناء ملکوت؛
 - ۶- ای نفوس مبارکه؛
 - ۷- ای احبای حقیقی امریک (خطاب به جمع احبای هر دو کشور و محافل و مجامعشان)؛
 - ۸- ای حواریون بهاء‌الله؛
 - ۹- ای دوستان حقیقی؛
 - ۱۰- ای نفوس مبارکهٔ محترمه؛
 - ۱۱- ای احبای قدیم و یاران ندیم؛
 - ۱۲- ای یاران و اماء رحمن، مختارین ملکوت؛
 - ۱۳- یاران مهربانا، و اماء رحمانا؛
 - ۱۴- ای نفوس آسمانی و ابناء و بنات ملکوت.
- در میان این عناوین "حواریون حضرت بهاء‌الله" درخور تعمق بیشتر است. نکته‌ای که در الواح ملکوتی توجه را به خود جلب می‌کند این است که در موارد متعدد به عالم مسیحیت و اعزام حواریون مسیح به تبشیر ظهور ملکوت در نقاط مختلف جهان ارجاع می‌دهند و انتظار هیکل مبارک این است که احبای امریک هم بر اثر قدوم آن حماسه‌آفرینان تاریخ مسیحیت حرکت کنند.

مثلاً، در لوح اوّل به انجیل استناد می‌فرمایند که: "در انجیل شریف می‌فرماید به شرق و غرب سفر کنید و جمیع را به نور هدایت کبریٰ روشن نمائید، تا از حیات ابدی بهره و نصیب گیرید."

در لوح دوّم: "در انجیل می‌فرماید به اطراف عالم روید و بشارت به ظهور ملکوت‌الله دهید."

در لوح سوّم: "در انجیل جلیل می‌فرماید چون تخم پاک در ارض طیبه طاهره افشاند، گردد، فیض و برکت آسمانی حصول یابد."

در لوح چهارم: "در انجیل شریف می‌فرماید که به اطراف جهان روید و ندا به ملکوت‌الله نمائید. حال وقت آن است که شما به این خدمت عظیم قیام کنید."

ظاهراً مستند حضرت عبدالبهاء برای قیام به نشر کلمه‌الله انجیل است، اما در باطن حضرتش متکی است بر اوامر جمال مبارک که نصرت امر را از طریق تبلیغ و سفر تبلیغی تشویق فرموده‌اند، چنان که در گفتار دیگری از آن سخن خواهد رفت.

در ذکر سرمشق حواریون مسیح، ظاهراً هیکل اقدس بیشتر به صفات و ملکات مهاجرین و مبلغین نظر دارند.^{۱۳}

از جمله مشخصات نفوسی را که قیام به خدمت می‌کنند در الواح ملکوتی چنین مقرر می‌فرمایند: منقطع الی الله، تنزیه و تقدیس، ثبوت بر میثاق الهی، نیت خالص، قلب مستغنی، روح منجذب، فکر مستریح، عزم و اراده قوی، همت بلند، اشتعال به نار محبت‌الله، و البته الفت و محبت بین احباب شرط بنیادی موقّیّت در قیام آنان بر خدمت است.

سوابق این صفات و مشخصات را در آثار حضرت بهاء‌الله می‌توان یافت، چنانکه در موقع خود به آن اشارت خواهد رفت. به عنوان نمونه، به یک بیان جمال ابهی در جلد ۴ مائده آسمانی (ص ۴۸) اکتفا می‌شود: "و شرائط مبلغین تقدیس و تنزیه است و هم‌چنین توکل و انقطاع ... طوبی از برای عبادی که خالصاً لوجه‌الله قصد بلاد نمایند لاجل تبلیغ امر و انتشار آثار. لعمرالله ارض به قدوم این نفوس افتخار نماید."

علاوه بر عناوین مخاطبان که نمودار لطف و عنایت خاص حضرت عبدالبهاء به احبای آمریکاست، در متن الواح وصایا نیز جملات و عباراتی آمده که این مراسم مخصوصه را تأیید می‌کند:

در لوح هفتم: "عنقریب خواهید دید که هر یک مانند ستاره‌های درّی درخشان در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیه اهل امریک شدید. ملاحظه کنید که موقّیت حواریون در زمان مسیح معلوم نبود، نفسی به آنان اعتنا نداشت ... هم‌چنین موقّیت شما حال معلوم نه. امیدوارم که بزودی موقّیت شما زلزله در آفاق اندازد." (ص ۲۰)

در لوح نهم: "قطعه امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار." (ص ۳۷)

در لوح چهاردهم: "اگر به آن [به انتشار امر الهی] موقّق شدید، جهان، جهان دیگر گردد و روی زمین بهشت برین شود، و تأسیسات ابدیه گذاشته شود." (ص ۶۲)

در مورد مستقبل کانادا، بشارات حضرت عبدالبهاء روح‌بخش و شادی‌آفرین است. در مکاتیب، ج ۳، ص ۵۴، در باره کانادا مذکور: "اقلیم کانادا مستقبل بسیار عظیم است و حوادثش بی‌نهایت جلیل."

و در صفحات ۵۵ و ۵۶: "مستقبل کانادا بسیار عظیم است، چه از حیثت ملک، و چه از حیثت ملکوت. مدنیت و آزادی روزبروز تزیید خواهد نمود."

موقّیت‌های بعدی جامعه آمریکا طی نقشه‌های هفت‌ساله اول و دوم که بر اساس الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء تهیه و تنظیم شده بود موجب آن شد که این الطاف و عنایات استمرار یابد، و حضرت ولی امرالله از جمله در تویع مورخ ۲۹ اپریل ۱۹۵۳ خود چنین ستایشی را از جامعه یاران آمریکا بفرمایند:^{۱۴}

- ۱- اخلاف روحانی مطالع انوار عصر رسولی امر بهائی؛
- ۲- امنای اصلی الواح جاودانی نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء؛
- ۳- مجریان اولیه فرمان صادر از مرکز میثاق حضرت بهاءالله؛
- ۴- بانیان نظم اداری الهی؛
- ۵- علم‌داران سپاه مظفر رب الجنود؛
- ۶- مشعل‌داران مدنیت جهان‌آرای سماوی آینده.

وعدۀ برکات آینده

گفتیم که جمعیت بهائیان آمریکا و کانادا قلیل بود و منابع آنان محدود. معذک، حضرت عبدالبهاء به آنان نوید آن را می دهند که برکات الهی شامل خدمات آنان خواهد شد. نمونه ای از این نویدها را ذیلاً می آوریم.

در لوح اول: "هر تخمی برکتش محدود است، ولکن تخم تعالیم آسمانی فیض و برکتش نامحدود ... در قرآن می فرماید که یک حبه هفت خوشه برآرد و هر خوشه صد دانه بدهد ... و خداوند اگر بخواهد مضاعف می فرماید."

در لوح دوّم: "نفسی که به حقائق و معانی ظهور ملکوت بشارت دهد مانند دهقانی ماند که تخم پاک در زمین پاک افشاند و ابر نیسانی فیض باران مبذول دارد. البته ... خرمن ها تشکیل نماید."

در لوح سوّم: "در انجیل جلیل می فرماید چون تخم پاک در ارض طیبۀ طاهره افشاندۀ گردد، فیض و برکت آسمانی حصول یابد."

وعدۀ برکات آینده به ظاهر ظاهر هم در سالهای ۱۹۱۷-۲۰۰۷ تحقق پیدا کرد. در حالی که عدد بهائیان آمریکا در سال ۱۹۱۶ به ۲۹۰۰ نفر نمی رسید، آمار کنونی از ۱۵۰ هزار می گذرد. و منابع مسیحی رقمی بسیار بالاتر را ارائه می کنند، چنانکه کتاب سال دانش نامه بریطانیکا مربوط به سال ۲۰۰۶ چنین می نویسد:

شماره بهائیان آمریکا در سال ۱۹۰۰:	۲۸۰۰ نفر؛
شماره بهائیان آمریکا در نیمه سال ۱۹۷۰:	۱۳۸۰۰۰ نفر؛
شماره بهائیان آمریکا در نیمه سال ۱۹۹۰:	۶۰۰۰۰۰ نفر؛
شماره بهائیان آمریکا در نیمه سال ۲۰۰۰:	۷۷۴۰۰۰ نفر؛
شماره بهائیان آمریکا در نیمه سال ۲۰۰۵:	۸۲۹۰۰۰ نفر؛
رشد سالانه در فاصله ۱۹۹۰-۲۰۰۰:	۲/۵۸ درصد.

بر نگارنده این سطور علّت این تفاوت فاحش بین آمارهای بهائی و آمارهای مسیحی روشن نیست. اما آنچه مسلم است افزایش بسیار سریع جمعیت بهائیان آمریکا در طی نود سال اخیر است، که قطعیت وعود حضرت عبدالبهاء را حکایت می کند.

مضامین عمده الواح ملکوتی

تلخیص مطالب متنوعی که در ۱۴ لوح مذکور آمده کار آسانی نیست. در اینجا با کمال اختصار، و بدون رعایت اهمیّت و اولویّت، ۱۹ مطلب عمده‌ای را که در این الواح آمده ذیلاً عرضه می‌دارد، و البته راه بر طبقه‌بندی به شیوه و روش دیگر باز است:

- ۱- تشویق بر تبلیغ و هدایت اهالی در ایالات مختلفه آمریکا و مناطق مختلفه کانادا؛
- ۲- تشویق عموم بر قیام به خدمت؛
- ۳- دستور اعزام مبلغین به آن نواحی؛
- ۴- دستور نشر امرالله نخست در آمریکای مرکزی و جنوبی، و بعد در قارات سائره؛
- ۵- تشویق به اعزام مبلغ زبان‌دان به چین و ژاپون؛
- ۶- ذکر آنکه به قدوم مبارک استعداد در آمریکا ظاهر شده و حال باید بذره‌های کاشته را آبیاری کرد؛
- ۷- دستورات اجرائی، چون تشکیل محفل تبلیغ، ترجمه الواح، نشر کتب استدلالیه، ادامه انتشار نجم باختر؛
- ۸- وعده ظهور استعدادات بدیع بعد از جنگ؛
- ۹- وعده آنکه علم صلح عمومی بلند خواهد شد؛
- ۱۰- اگر احبّاء قیام کنند، وحدت عالم انسانی در قطب امریک خیمه برخواهد افراخت؛
- ۱۱- تشویق بر انقطاع از دنیا و سفر در اقالیم چون ملکوت آسمان، بحشی از شرائط و صفات مبلغین و مروّجین و تشویق به پیروی از سرمشق حواریون مسیح؛
- ۱۲- بشارات جان‌پرور به احبّای خدمت‌گزار و مبلغین، علی‌رغم قلت عدد آنان؛
- ۱۳- مناجات‌های متعدّد برای مبلغین و ناشرین نفعات. ۹ مناجات در آخر الواح مذکور آمده است؛
- ۱۴- ذکر مستقبل عظیم کانادا؛

- ۱۵- تصریح به اهمیت بعضی مناطق، چون گرین لند، بلاد اسکیمو، مدینه بهائیه در ساحل شرقی برزیل، جمهوری پاناما؛ توجه به اهمیت تبلیغ در میان بومیان قدیم آمریکا؛
- ۱۶- تجلیل از خدمات احباء در منطقه شیکاگو، تشبیه کالیفورنیا به ارض اقدس و توصیه آنکه باید مشابعت ملکوتی هم حاصل شود؛
- ۱۷- تأکید در لزوم اتحاد احباء و تمسک به عهد و میثاق؛
- ۱۸- تشویق به تأسی به سرمشق آن حضرت و اشاره به سفر مبارکشان به آمریکا، ضمن آرزوی مشارکت مجدد در خدمات مهاجرتی و تبلیغی؛
- ۱۹- تشویق بر نشان دادن جهت جامعه دیانت و به مدد آن تقلیب روحانی مردم.

باید متذکر بود که در الواح ملکوتی استثنائاً از بعضی نفوس و خدمات ارزنده ایشان نام برده شده است، مانند میس مکسول، که در لوح سیزدهم نامشان آمده، و میس الکساندر، که در لوح هفتم ذکر شده‌اند، و میس نوبلاک، که در همان لوح هفتم مذکور آمده‌اند، و بالاخره مهاجره آلاسکا، خانم مارگارت گرین M. Green، که در لوح ششم مورد اشاره قرار گرفته‌اند. میس مارگارت گرین در تاریخ ۱۶ جون ۱۹۱۵ از پایتخت آمریکا، واشینگتون دی سی، به آلاسکا رسید و ظاهراً وی اول نفس بهائی است که مقیم آلاسکا شده است. در مورد میس ماکسول، میس الکساندر، و میس نوبلاک اطلاعاتی بسیار فشرده ذیلاً خواهد آمد.

میسز می مکسول، آمریکائی (۱۸۷۰-۱۹۴۰)، بنیادگذار امر بهائی در پاریس بود (۱۸۹۹) و پس از ازدواج با جناب مکسول (۱۹۰۲) امر مبارک را در مونترآل کانادا نیز مستقر کرد. وی در شمار اول زائران غربی به حضور مبارک حضرت عبدالبهاء در عکا بود (۱۸۹۹)، و به دستور آن حضرت مجدداً به پاریس برای نشر نفحات الهی بازگشت کرد. نفوس مهمه‌ای توسط ایشان در فرانسه تصدیق امر الهی را کردند، از جمله توماس بریکول، هیپولیت دریفوس و همسر آینده‌اش لورا بارنی، میسن ریمی، و دیگران. حضرت عبدالبهاء هنگام بازدید کانادا در منزل آقا و خانم مکسول اقامت فرمودند. علی‌رغم ضعف مزاج، می مکسول خدمات

تبلیغی و اداری خود را در آمریکا و کانادا ادامه داد. در زمان حضرت ولی امرالله به سیر و حرکت پرداخت و در سفر سال ۱۹۴۰ به آرژانتین جهت پشتیبانی از فعالیت‌های احباء در بوئنوس آیرس درگذشت، و حضرت ولی امرالله به ایشان لقب شهید را اعطا فرمودند. صبیئه ایشان، ماری مکسول (امه‌البهاء روحیه‌خانم)، در سال ۱۹۳۷ به عقد نکاح حضرت ولی امرالله درآمد، و تا آخر حیات به خدمات بین‌المللی قائم و موفق بود.

میس آگنس الکساندر، آمریکائی (۱۸۷۵-۱۹۷۱)، که در هاوایی در یک خانواده میسیونر مسیحی متولد شد. در سفری به ایتالیا در سال ۱۹۰۰ به امر مبارک ایمان آورد. در دسامبر ۱۹۰۱ به هاوایی بازگشت و اول فرد بهائی در آن جزیره بود، و موجب ایجاد و بسط و رشد جامعه بهائی در آن سرزمین شد. بعد از مرگ پدر و مادر خود به کشور آمریکا رفت و به توصیه حضرت عبدالبهاء عازم ژاپون شد (۱۹۱۴) و به یاری جناب جرج آگور جامعه بهائی را در آن مملکت مستقر کرد و بقیه عمر را در همان دیار گذراند. او اول کسی بود که در سال ۱۹۲۱ امر مبارک را در کره تبلیغ کرد و در ۲۷ مارچ ۱۹۵۷ به سمت ایادی امرالله از طرف حضرت ولی امرالله منصوب گردید. درگذشت ایشان در همان هاوایی اتفاق افتاد.

میس آلما نوبلاک (Knobloch)، (۱۸۶۳-۱۹۴۳)، از احبای برگزیده آمریکا بود که به عنوان مبلغ و مهاجر به آلمان رفت (۱۹۰۷-۱۹۲۰)، و خواهرش فنی نیز مهاجره آفریقای جنوبی بود. شرح حالش در مجلد نهم عالم بهائی آمده است (صص ۶۴۱-۶۴۳).

حضرت عبدالبهاء در لوحی (مکتوبی) خطاب به یکی از احباء می‌فرمایند خوشوقت هستند که وی کمکی برای دکتر فیشر جهت تبلیغ امرالله در آلمان یافته است. کنیز الهی میس آلما نوبلاک برای چنین خدمت بسیار مقبول است. نامبرده باید تا هر قدر می‌تواند در آلمان باقی ماند. به اهتمام آلما، بسیاری از جوانان در اشتوتگارت، لایپنیتز، هامبورگ، و شهرهای دیگر به تشکیل جلسات غیررسمی تبلیغ و مطالعه آثار الهی به میزانی که ترجمه آنها در دسترس بود روی

آوردند، و در نتیجه محافل روحانی محلی در اشتوتگارت، اسلینگن، زوفهازن، لایبنیتز، و ژرا تشکیل شد. آلمان پیش از آنکه به آمریکا بازگردد از اطیش، سوئیس، لندن، و پاریس بازدید به عمل آورد و بسیاری را به امر مبارک هدایت کرد.

ربّ الجنود و سپاه حیاتش

اصطلاح ربّ الجنود، یا خداوند لشگرها، در کتاب عهد عتیق، از جمله در آغاز فصل سوم کتاب اشعیاء و در ابتدای باب هشتم کتاب زکریا، چنانکه جناب اشراق خاوری در جلد اول رحیق مختوم (صص ۵۱۲-۵۱۴) آورده‌اند، در باره موعود منتظر به کار رفته. اشعیاء از حرب عظیم و مهیب که در آن مردان خدا و شجاعان به جنگ خواهند افتاد سخن می‌گوید، و زکریا از بازگشت یهود به اراضی مقدّسه و این که اورشلیم به شهر حقّ و کوه یهوه صباوت (یا ربّ الجنود) به کوه مقدّس مسمّی خواهند شد. مسلمانان، چنانکه می‌دانیم، از امام زمان تصویر مردی شمشیرکش را در ذهن مجسم می‌کنند که ریشه بیداد را برخواهد کند (در حالی که صریح برخی احادیث این بود که موعود کمال موسی، و بهاء عیسی، و صبر ایوب را خواهد داشت، و اولیاء او در زمان او ذلیل خواهند شد^{۱۵}). حضرت عبدالبهاء به تعبیر ربّ الجنود معنای دیگری می‌بخشند، زیرا از احباء به عنوان "سپاه حیات و جنود نجات" که در سراسر عالم به حرکت آمده‌اند و عالمیان را به ظهور جدید و قُرب نزول ملکوت الله علی الارض بشارت می‌دهند، یاد می‌فرمایند، و حتی مناجاتی را به همین موضوع اختصاص می‌دهند که در پایان لوح ششم آمده است:

"ای خداوند بی‌همتا - ای ربّ ملکوت. این نفوس سپاه آسمانی تو اند. امداد فرما و به جنود ملاً اعلیٰ نصرت کن تا هر یک نظیر اردوئی شوند و آن ممالک را به محبت الله و نورانیت تعالیم الهی فتح کنند... الخ" (صص ۱۸-۱۹)

فتح ممالک با محبت الله و نورانیت تعالیم الهی با تصویری که از موعود کتب مقدّسه آمد به کلی متفاوت است، و معنی حقیقی و باطنی ربّ الجنود هم همین است، یعنی مظهر موعود جان‌بخش است، نه جان‌ستان، نجات‌دهنده است، نه

هلاک‌کننده، حیات روحانی عطا می‌کند، نه آن که زندگی جسمانی را از میان براندازد.

عباراتی چند از کتاب اشعیا در تأیید این تفسیر ذیلاً نقل می‌شود:

"و در آن روز خواهند گفت اینک این خدای ماست که منتظر او بوده‌ایم و ما را نجات خواهد داد." (باب ۲۵، آیه ۹)

"و کمربند کمرش عدالت خواهد بود، و کمربند میانش امانت، و گرگ با بره سکونت خواهد داشت." (باب ۱۱، آیه ۵)

"سلطنت بر دوش او خواهد بود ... و پدر سرمدی و سرور سلامتی (صلح و سلام) خوانده خواهد شد." (باب ۹، آیه ۷)

"او امت‌ها را داوری خواهد نمود و قوم‌های بسیاری را تنبیه خواهد کرد، و ایشان شمشیرهای خود را برای گاوآهن و نیزه‌های خویش را برای اژه‌ها خواهند شکست، و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت." (باب ۲، آیه ۴)

تأثیر و انعکاس الواح ملکوتی در نقشه‌های آینده جامعه بهائی

الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء منشأ و مصدر همه نقشه‌هایی بود که از آن پس در عالم بهائی به موقع اجرا درآمد. چنانکه قبلاً گفتیم، پس از دو نقشه هفت‌ساله آمریکای شمالی (۱۹۳۷-۱۹۴۴ و ۱۹۴۶-۱۹۵۳) و نقشه جهاد کبیر اکبر، ۹ نقشه در سراسر جهان بهائی طرح و اجرا شده است. هرچند که حضرت عبدالبهاء در الواح ملکوتی از یکصد و سی کشور و سرزمین نام برده‌اند و در حال حاضر شماره ممالک و سرزمین‌های مستقل از ۲۳۰ می‌گذرد، اما شبهه نیست که نظر حضرت عبدالبهاء همه کره زمین را دربر می‌گرفته، چنان که جناب علی نجوانی در مقاله خود به مناسبت هفتادمین سالگرد آغاز اولین نقشه تبلیغی منظم و مستمر [در آمریکا و کانادا]^{۱۶} چنین نوشته‌اند: "هرچند فرامین تبلیغی به بهائیان آمریکای شمالی خطاب گردیده، ولی حضرت ولی امرالله آن را به عنوان فرمانی از طرف حضرت عبدالبهاء به بهائیان سراسر عالم دانسته‌اند، و مثلاً نقشه ده‌ساله یا جهاد کبیر اکبر را که مخاطب آن همه بهائیان عالم بودند مرحله‌ای از اجرای

مستمر مندرجات فرامین تبلیغی شمرده‌اند، چنانکه می‌فرمایند منشوری که محرک و موجد این جهاد کبیر روحانی است الواح ابدی تبلیغی صادره از یراعه مرکز میثاق الهی می‌باشد (ترجمه به مضمون). به علاوه، در چندین پیام اشاره فرموده‌اند که اختتام جهاد روحانی ده‌ساله فقط نمایان‌گر پایان‌گرفتن اولین مرحله از مراحل اجرای دستورات مندرج در فرامین تبلیغی است."

خود حضرت عبدالبهاء در موارد شتی توجه خود را به فتح روحانی سراسر جهان تصریح فرموده‌اند، چنانکه در الواح وصایا، که سال‌ها قبل از الواح ملکوتی تحریر شده، می‌فرمایند که پس از صعود حضرتشان باید حضرات افنان، حضرات ایادی امرالله و جمیع یاران و دوستان "بالاتفاق به نشر نفعات‌الله و تبلیغ امرالله و ترویج دین‌الله به دل و جان قیام نمایند، دقیقه‌ای آرام نگیرند و آنی استراحت نکنند. در ممالک و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد و سرگشته هر اقلیم گردند ... در هر کشوری نعره «یابهاء‌الابهی» زنند و در هر شهری شهره آفاق شوند ... تا در قطب آفاق انوار حق اشراق نماید و در شرق و غرب جم غفیری در ظل کلمه‌الله درآید ... در این ایام اهم امور هدایت ملل و امم است ..." (ایام تسعه، صص ۴۶۵-۴۶۶). می‌توان گفت که پیش‌آهنگی آمریکائیان برای ره‌گشائی و دادن سرمشق بوده است، همان طور که به فرموده حضرت عبدالبهاء خطاب به احبای آن دیار (لوح هفتم، ص ۲۰): "موقیّت شما حال معلوم نه، امیدوارم که بزودی موقیّت شما زلزله در آفاق اندازد."

شاید مناسب باشد که برای نشان‌دادن اهمیّت و وسعت این موقیّت، ماحصل عمل‌کرد اولین اجرای بین‌المللی نقشه ملکوتی، یعنی نقشه ده‌ساله جهاد کبیر اکبر را، که آمریکائیان در آن سهم عمده داشتند، در اینجا نقل کنیم. فتوحات نقشه ده‌ساله، به نقل از کتاب "کور و دور بهائی" بدین شرح بود:

- ۱- توسعه موقوفات امری در ارض اقدس؛
- ۲- اتمام بنای دارالآثار بین‌المللی؛
- ۳- توسعه تحکیم روابط جامعه بین‌المللی بهائی با سازمان ملل متحد؛
- ۴- تطهیر اراضی حول روضه مبارکه حضرت بهاء‌الله از وجود ناقضین؛
- ۵- توسعه مؤسسه ایادی امرالله؛

- ۶- افزایش تعداد ممالک و اقالیم به ۲۵۹؛
- ۷- افزایش تعداد زبان‌هائی که آثار امری به آنها ترجمه شده (۲۲۰ زبان جدید)؛
- ۸- افزایش تعداد محافل روحانی ملّی به ۵۶؛
- ۹- تسجیل ۳۴ محفل روحانی ملّی جدید؛
- ۱۰- تأسیس ۷ مؤسسه ملّی مطبوعات جدید؛
- ۱۱- مشارکت اماءالرحمن ایران در انتخابات ملّی و محلی؛
- ۱۲- تدوین اساس‌نامه محافل ملّی و تأسیس موقوفات امری به وسیله محافل ملّی جدیدالتأسیس؛
- ۱۳- افزایش تعداد حظائر قدس ملّی به ۷ برابر با تأسیس ۴۹ حظیره‌القدس جدید؛
- ۱۴- ارتفاع بنای سه ام‌المعابد آفریقا، استرالیا، اروپا؛
- ۱۵- خرید اراضی برای بنای مشرق‌الاذکار کوه کرمل؛
- ۱۶- تأسیس نخستین مؤسسه از ملحقات مشرق‌الاذکار آمریکا؛
- ۱۷- خرید اراضی برای بنای ۴۶ مشرق‌الاذکار در ۵ قاره عالم؛
- ۱۸- طرح مقدمات ساختمان مرقد حرم حضرت اعلی؛
- ۱۹- خرید اراضی سیاه‌چال طهران و محبس حضرت اعلی در چهریق؛
- ۲۰- تأسیس ۷ شعبه از محافل روحانی ملّی عالم در اسرائیل.

تأثیر نقشه در قیام‌های فردی

گفته شد که پس از زیارت الواح ملکوتی توسط احبّای آمریکا در سال ۱۹۱۹ چندین تن از یاران بلافاصله قیام به سفر تبلیغی-مهاجرت و ابلاغ کلمه‌الله در ممالک سائره کردند، که در صدر آنها باید از میس مارثا روت، خانم و آقای دان، خانم لواگتسینگر، ماریون جک، اموجین هاگ (Hoag)، و خانم آلما نوبلاک یاد کرد. میس مارثا روت از زمان قرائت آن الواح ملکوتی در نیویورک تا بیست سال بعد پیوسته در سفر تبلیغی بود؛ هاید و کلارا دان به استرالیا رفتند و آن قاره را گشودند؛ لواگتسینگر به هندوستان و بعد مصر سفر کرد؛ ماریون جک به آلاسکا روی آورد؛ اموجین هاگ نیز رهسپار آلاسکا شد؛ نوبلاک روانه آلمان شد و خواهرش به آفریقای جنوبی رفت؛ لئونورا آرمسترانگ، مادر بهائیان برزیل، هم به

ندای نخستین حضرت عبدالبهاء لیبیک گفت و به سفر تبلیغی روی کرد (۱۹۲۱) و چنانکه قبلاً گفته‌ایم میس آگنس الکساندر هم راهی هاوایی و ژاپون شد.^{۱۷}

مارثا روت (۱۸۷۲-۱۹۳۹) در سال ۱۹۰۹ بهائی شد. وی در سال ۱۹۱۵ سفری طولانی برای بازدید جوامع مختلف بهائی در آسیا و نقاط دیگر کرده بود، ولی در پاسخ به الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء بود که در سال ۱۹۱۹ سفرهای تبلیغی بی‌وقفه خود را آغاز کرد و در همه جا به ترویج امرالله پرداخت. از جمله در آمریکای لاتین از شهری به شهری می‌رفت و در باره امر مبارک، از جمله در مجامع هواداران اسپرانتو و محافل تئوزوف‌ها، سخنرانی می‌کرد، و مقالات برای مطبوعات می‌نوشت و کتب بهائی را در کتابخانه‌ها گذاشت و رجال دولت‌ها و معلّمان و مربیان و امثال آنان را ملاقات می‌کرد. در زمان حضرت ولی امرالله به لقب فخر المبلّغین و المبلّغات فائز شد. مارثا روت از سلامت کامل برخوردار نبود و در حالی که غالباً در فقر نسبی می‌زیست دقیقه‌ای آرام نداشت و از هر فرصتی برای ترویج امرالله استفاده می‌کرد و او اوّل بهائی بود که برای امر الهی برنامه رادیوئی اجرا کرد (پرت، استرالیا، در سال ۱۹۲۴)، و در اروپا برای استقرار دفتر بین‌المللی بهائی کمک و یاری کرد (ژنو)، و روابط جامعه بهائی را با گروه‌های اسپرانتیست بسط بسیار داد و حضرت ولی امرالله او را، پس از صعودش، به مقام ایادی امرالله ارتقاء دادند. همین مختصر اهمیت قیام او را برای ابلاغ کلمه الهی روشن می‌کند. ظاهراً وی چهار بار دور کره ارض را برای ابلاغ امر مبارک گردید. در مورد آقا و خانم دان، فاتحان استرالیا، نقل آنچه حضرت ولی عزیز امرالله در توقیع "قرن بدیع" آورده‌اند در واقع کفایت می‌کند (ترجمه فارسی، صص ۶۲۷-۶۲۸): "از جمله مجاهد کبیر و فارس شهرهای دان در سن ۶۲ سالگی لانه و آشیانه خود را در کالیفرنیا ترک نمود و با عزمی راسخ و نیتی خالص و همّتی بی‌نظیر به معاضدت و همراهی امّه موقنه قرینه محترمه‌اش به استرالیا مهاجرت کرد و به تأییدات الهیه به فتح آن قاره وسیعه و ابلاغ پیام الهی در هفتصد بلده از بلاد آن خطّه مستعده موفق گردید."

کلارا دان (۱۸۶۹-۱۹۶۰) اصلاً انگلیسی بود و در حدود سال ۱۹۰۷ در واشنگتون بهائی شد، و به همراه هاید دان، همسر خود، در سال ۱۹۲۰ به استرالیا

مهاجرت کرد. حضرت ولی امرالله او را در سال ۱۹۵۲ به سمت ایادی امرالله منصوب فرمودند. هاید دان (۱۸۵۵-۱۹۴۱) هم انگلیسی و هم آمریکائی تبار بود. او در حدود سال ۱۹۰۵ بهائی شد و در سیاتل مبلغ و مروج فعال امر بهائی گردید. با کلارا در سال ۱۹۱۷ ازدواج کرد و چنانکه گفته آمد با همسر خود در ۱۹۲۰ فاتح قاره استرالیا گردید. سالها در سفر بود و همه جا امر مبارک را معرفی می کرد. حضرت ولی امرالله او را فاتح روحانی استرالیا لقب داده اند و بعد از صعودش به مرتبه ایادی امرالله ارتقاء بخشیده اند. در سال ۱۹۲۲ نیوزیلند توسط این زوج گرامی فتح شد. زندگی نامه بسیاری از نفوسی که ذکرشان رفت، چون مارثا روت و لوا گتسینگر، موضوع تحقیقات مبسوط قرار گرفته و به صورت کتبی مفصل نشر شده است.

ماریون جک (Jack)، بهائی سرشناس کانادائی بود که در پاریس به سال ۱۹۰۰ به امر مبارک ایمان آورد. در سال ۱۹۰۸ وی به اطفال عائله حضرت عبدالبهاء در عکا انگلیسی تعلیم میداد. در سال ۱۹۱۹ وی همراه ایموجین هاگ سفرهای درازی در آلاسکا و Yukon برای تبلیغ امرالله کردند. در سال ۱۹۳۰ وی در بلغارستان به عنوان مهاجر بهائی ساکن شد و، علی رغم سختی ها و مشقّاتی که به آنها روبرو شد، بقیه عمر را در آن دیار ماند. حضرت شوقی ربّانی او را به عنوان یک زن قهرمان جاودان، و نفسی که سرمشق درخشان مهاجران بهائی است، ستوده اند.

مقایسه ای با کار میسیونرهای مسیحی

هرچند قیام احبّاء برای نشر امر حضرت بهاءالله شباهت با دوره اول مسیحیت، یعنی رسالت حواریون حضرت مسیح، دارد، اما از جهات دیگر، خصوصاً شغلی نبودن کار تبلیغ و تبشیر در امر مبارک، تعمیم این مسئولیت به همه احبّاء و عدم تخصیص آن به قشر خاص روحانی، و از آن مهم تر، عدم اتکاء امر مبارک بر قوای دولتی «استعماری» به کلی از کار میسیونرهای مسیحی (مبشرین مسیحی) متمایز و متفاوت است.

ذکر مجملی در باره تاریخ میسیونری در عالم مسیحیت به استاد دو مدرک مفید تواند بود.

این نکته گفتنی است که از ابتدای ظهور امر بهائی، مظهر امر توجه به جهانی بودن رسالت خود که مخصوص سرزمینی نبوده و نیست داشته‌اند. به فرموده حضرت بهاء‌الله: "این ندا و این ذکر مخصوص مملکتی نبوده و نیست. باید اهل عالم طراً به آنچه نازل شده و ظاهر گشته تمسک نمایند."

در عالم مسیحیت شاید قرنی چند ضرور بود تا مسیحیان متوجه مسئولیت وسیع‌تر خود در تبشیر ملکوت الهی، یعنی ورای حوزه یهودی-رومی-یونانی گردند، و در نتیجه میسیونرهای برای تبلیغ به مناطق مختلف چون اروپا، آفریقا، خاور میانه، و در قرون جدید به آمریکا، بفرستند؛ در حالی که نفس الواح ملکوتی حضرت عبدالبهاء شاهد آن است که هیچ نقطه‌ای از کره ارض از دیدگاه فرمانده الهی و سالار جند هدی مخفی نمانده است. و البته چون امر مبارک نظام کشیشی و ملانی را ملغی داشته، همه اهل بهاء، کبیراً و صغیراً، مأمور به نشر کلمه الهی در اقطار جهان بوده و هستند،^{۱۹} چنان که نصوص حضرت اعلی و جمال اقدس ابهی قبل از فرامین ملکوتی حضرت عبدالبهاء بر آن دلالت دارد.

پل پوپارد، که مدتی هم مشاور مرکز جهان کاتولیک بود، در دیکسیونر ادیان خود (به فرانسه) چنین می‌نویسد: "می‌توان گفت که تبلیغ و تبشیر در عالم مسیحیت شامل حد اقل ۶ دوره بوده است. در مرحله اول خود حضرت عیسی بشارت به ظهور ملکوت‌الله می‌فرمودند. مرحله دوم با قیام حواریون بعد از مصلوب شدن آن حضرت آغاز شد که بشارت ظهور جدید را به اقوام مختلفه بردند. سومین مرحله پس از درگذشت دسته اخیر بود که با شهادت‌ها و مقاومت‌های مسیحیان پیام الهی به سراسر اروپا، و بعد آسیای صغیر و آفریقای شمالی، انتشار یافت. این مرحله منتهی شد به مرحله چهارم، که تشکیل دولت مسیحی باشد، که در آن کمتر تبشیر به ظهور ملکوت سبب بسط و نشر دیانت مسیح شد تا تربیت اطفال مسیحی. مرحله پنجم جذب و جلب دورافتادگان از کلیسا بود، یعنی مسیحی کردن مجدد مسیحیان اسمی. وقتی مسیحیت در اروپا خوب مستقر شد، آن وقت فتح سایر

قارات توسط میسیونرها آغاز شد، و این در خارج حوزه اولیه یونانی-رومی بود و مقارن شد با آغاز توسعه استعماری غرب.

در مورد میسیون و میسیونرها پل پوپارد می نویسد که در قرون اولیه این شور و حرارت مسیحیان بود که بدون برنامه ریزی قبلی [برای تبلیغ نفوس] به افراد منتقل می شد و سرایت می کرد، و در حقیقت نشر انجیل توسط نوعی مبشری روحانی بود. پس حدود یک قرن کار میسونری در عهده خود کلیسا بود و فونکسیون (فعالیت) مستقلی را تشکیل نمی داد، و فقط از سال ۱۴۹۳ بود که وضع تغییر کرد، زیرا برای رسیدن به آمریکای تازه گشوده و یا به پایگاه های کشور پرتغال در گوآ، مالاکا، ماکائو، هم نیاز به وسائل بود و هم احتیاج به پشتیبانی و حمایت قوی. از این رو، تبشیر (evangelism)، یک فعالیت اختصاصی و مستقل شد که پاپ های کاتولیک مأمور و مسئول آن گردیدند.

حسب دستور پاپ الکساندر ششم صنف های مذهبی (orders) برای این کار تشکیل شد، مانند فرانسیسکن ها، دومینکن ها، و ژزویت ها.

در سال ۱۶۲۲، هنوز اصطلاح تبلیغ یا پروپاگاندا مطرح بود. دو قرن بعد، اصطلاح میسیون و میسیونر جهت اعزام مبلغ به نواحی دوردست و نزد اقوام عاری از مذهب مطرح گردید. مور (Mourre) در فرهنگ دائرةالمعارفی تاریخ خود می نویسد که فعالیت های میسونری در همان اوائل به استناد کلام حضرت مسیح اهمیّت یافت [اشاره به قیام حواریون به نشر کلمه الله] و نیز از زمان تشکیل شورای بیت المقدس، یعنی سنه ۴۸ م بود که آئین مسیح توانست از محدوده سابق خود که جامعه یهود بود فراتر رود. سفرهای سن پوُل (پولس) راه های جهان روم را بر روی دین جدید گشود و احتمالاً در همان آخر قرن اول مسیحی دیانت حضرت مسیح در مناطقی چون ایتالیا، سرزمین گُل (Gaul) و اسپانیا نفوذ کرد، ولی مشرق هنوز پایگاه عمده مسیحیت بود، و این افسانه بافی است که قائل شویم به آنکه همه حواریون سفرهای میسونری کرده اند، منجمله سن توماس به هند.

در قرن چهارم میلادی انجیل در همه مناطق دنیای رومی عرضه شده بود، ولی محدود به مرزهای آن امپراطوری نبود. در ایران، ارمنستان، و میان "گوت ها" و حتی در حبشه مسیحیت راه یافته بود. با حمله قبائل بربر ژرمنی اصحاب کلیسا

قائل بدان شدند که این اقوام هم حق رستگاری دارند. فرانک‌ها، در قرن پنجم، از اول اقوامی بودند که به آئین کاتولیک پیوستند (حدود ۴۹۵ م). در ربع آخر قرن ۶ فعالیت‌های میسیونری در مناطق گُل (Gaul)، مناطق ژنان، ایتالیای شمالی، توسط کشیش‌ها صورت گرفت و تعداد زیادی دیرها و صومعه‌ها در میان ژرمن‌ها تأسیس شد که پایگاه مسیحیت بود.

فعالیت رسمی کلیسای کاتولیک در امر میسیونری با پاپ سن گروار شکل گرفت (۵۹۰-۶۰۴)، خاصه در میان اقوام ژرمنی. از سال ۵۹۷ سن آگوستن از کانتربوری (Canterbury) اعزام مبلغان و مبشران انجیل را در انگلستان شروع کرد، و در نیمه دوم قرن ۷ کاتولیک‌های رومی بر کشیش‌های سلتی (Celtic) فائق آمدند. در قرن ۹ وعظ انجیلی در ممالک اسکاندیناوی شروع شد.

با آمدن شارلمانی اتحاد نزدیک کلیسا و دولت صورت گرفت، و از آن زمان هدف والای میسیونری منحرف شد.

اکتشافات بزرگ دریائی قرون ۱۵ و ۱۶ سراسر کره ارض را بر روی میسیون‌های مسیحی گشود ... و چنانکه می‌دانیم تبلیغ مسیحیت با استعمار سرزمین‌های تازه همراه شد. در مقاله مور (Mourre) ذکر سازمان‌هایی خاص هست که برای تشکل میسیونرها و اعزام کشیشان به میسیون‌های تبلیغی بوجود آمدند، مثل جامعه میسیون‌های خارجی که در پاریس در سال ۱۶۵۸ بوجود آمد، جامعه میسیون‌های مندلیت که در سال ۱۷۸۶ تأسیس شد، جامعه بریتانیائی که در سال ۱۸۰۴ ایجاد شد، الخ.

البته اکتشافات جغرافیائی از قرون ۱۵ و ۱۶ تا قرن حاضر، همان طور که به وظیفه میسیونری نزد مسیحیان پر و بال داد، در ظهور جدید هم اجازه داد که افق نظر توسعه یابد، و در نتیجه الواح ملکوتی از اقصا نقاط شرق تا غرب و از بالاترین مناطق شمال تا جنوب را دربر می‌گیرد، و احترامی برای اقوام بومی قائل است که در عمل در عالم مسیحیت و نزد میسیونرهای بعد از دوره استعمار (کولونیالیسم) غرب مصداق نداشته است.

همین اکتشافات جغرافیائی، همراه با ترقیات علمی و فنی و بکار افتادن وسائل ارتباط و مخابره سریع و وسیع بود که به حضرت بهاءالله امکان آن را داد که این

حقیقت را که همواره از دیدگاه حقّ مسلم بوده، ولی بر مردمان مجهول و مستور، برملا کنند که عالم حکم قطعه واحد را دارد و کلّ اهل یک عالم و یک بساط هستند.

تکمله

در مکاتیب مبارکه، جلد سوم، بعد از ختم الواح دوره‌های اوّل و دوم که الواح عمومی است، بعضی الواح مخصوص به احبّای آمریکا نقل شده که بعضاً حاوی مطالبی در تأیید الواح ملکوتی است، مثلاً در لوح مندرج در ص ۹۶ تشویق بر مسافرت به هونولولو و ژاپن برای هدایت خلق آن اقالیم آمده. همین مضمون تعلیم امر به مردم ژاپن در ص ۹۸ آمده. بعضی از این الواح هم خطاب به احبّای مناطقی است، چون لوح ص ۸۲ به احبّای ایالات مرکزی آمریکا، لوح ص ۸۴ به احبّای کالیفرنیا، لوح ص ۹۲ به احبّای الهی در آلمان، و لوح ص ۹۵ به احبّای هونولولو. و میتوان فرض کرد که مبلغان بهائی این مناطق برای تشویق مصدّقان این الواح را درخواست کرده‌اند (مثلاً مستر اوکر برای هونولولو، و برای ایالات مرکزی آمریکا توسط مستر کارل شفر).

یادداشت‌ها

۱- یرلیغ ظاهراً لغتی مغولی و به معنای فرمان پادشاه است.
 ۲- لغت منشور بنا به فرهنگ معین به معنی فرمان و دستورالعمل غیر محرمانه دولت است. تعریف بهتر در کتاب فرهنگ روز سخن آمده که می‌گوید منشور اصول نظریات و عقائد کسی یا سازمانی است که به صورت رسمی طی اعلامیه‌ای اعلام و منتشر می‌شود.

در مورد کلمه charter باید گفت که این کلمه در قرون وسطی به معنای اجازه مالکیت، یا فروش یا امتیازی بود که به نفسی اعطاء می‌شد. ولی امروزه charter بیشتر به معنای سیاسی مستعمل است. منشور سندی مهمّ است که از مصدر والائی چون حکومت صادر شود و پایه‌گذار یک سازمان، یک حق، یا امتیازات

خاصی باشد و قابل مقایسه با قانون اساسی، چنان که وقتی گفته می شود منشور ملل متحد، مراد قانونی است که بنیادگذار، آن سازمان است.

۳- حضرت ولی امرالله، در کتاب قرن بدیع، کتاب مستطاب اقدس را هم به عنوان منشور نظم بدیع حضرت بهاءالله و منشور تمدن آینده جهان توصیف کرده اند.

۴- نخستین گام در اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، نوشته جناب علی نخبوانی، ترجمه حوریوش رحمانی، نشریه پیام بهائی، شماره ۳۲۹.

۵- از جمله در کتاب حیات حضرت عبدالبهاء ممالکی که در دوره سی و نه ساله عهد ابهی در ظل امر مبارک بودند بدین شرح هستند: ایران، عراق، ترکیه، قفقاز، برمه، مصر، گرجستان، هندوستان، فلسطین، لبنان، سودان، ترکستان، و سوریه، که عملاً همه کشورهای شرقی بوده اند.

۶- به حساب دیگر، ۱۳۰ سرزمین.

۷- در سوره الاعراف، آیه ۱۴۵، آورده شده که "وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ..." مفسران گفته اند که الواح در اینجا به معنی تورات است، که در آن هرچه مورد نیاز اسرائیلیان از امور دینی و دنیوی بود مذکور آمده و تبیاناً لکل شیء من الاحکام. در مورد لوح محفوظ، به سوره البروج (۸۵)، آیات ۲۱ و ۲۲، باید مراجعه کرد که در آن آمده "بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ" [و هو ام الكتاب]. مفسران در تفسیر این آیه گفته اند که قرآن، چنان که کافران می پنداشتند، شعر یا سحر و جادو و قصص کهنه نیست، بلکه در لوح محفوظ، از زیاده و نقص مصون است.

۸- در نظر صوفیه ملکوت عالم ارواح و عالم غیب و عالم معنی است (فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی دکتر سید جعفر سجادی). حضرت ربّ اعلیٰ در صحیفه اصول و فروع مشیت را در رأس مراتب سبعة هستی قرار می دهند (مشیت، اراده، قدر، قضاء، اذن، اجل، کتاب). خدا مشیت را آفرید و مشیت همه عالم هستی را خلق کرد.

۹- ابراهیم خیرالله، مبلغ بهائی که منشأ سوریه ای و مسیحی داشت، در سال ۱۸۸۹-۱۸۹۰ در مصر به امر مبارک گروید و در سال ۱۸۹۳ به شیکاگو رفت. در سال ۱۸۹۴ وی با موفقیت شروع به معالجات روحی کرد و در عین حال به تبلیغ

- امر بهائی به برخی نفوسی که ملاقات می‌کرد اهتمام نمود. در ابتدا خیرالله در کار خود بسیار موفق بود و تا سال ۱۸۹۸ حدود هفت صد نفر در ظلّ امر مبارک درآمدند. در سال ۱۹۰۰ به محمدعلی پیوست و ناقض عهد و پیمان شد.
- ۱۰- لوح هشتم معطوف به نشر نفحات و بسط امر الهی در قارات مختلفه است.
- ۱۱- در لوح هفتم ذکر قارات و جزائر مختلفه و بخشی از آسیا آمده.
- ۱۲- محفل روحانی ملی مشترک آمریکا و کانادا در سال ۱۹۲۵ تشکیل شد و دوازده سال بعد دست به طرح نقشه اول هفت‌ساله برد.
- ۱۳- در لوح هشتم است: "ای حواریون بهاءالله ... نفس مبارک موعود در کتاب مقدس به رب الجنود تعبیر گشته، یعنی جنود آسمانی، و مقصود از جند آسمانی نفوسی هستند که به کلی از عالم بشریت منسلخ ... از صفات بشریت و عالم طبیعت نجات یافته، متخلّق به اخلاق الهی گردند و منجذب به نفحات رحمانی شوند. مانند حواریون مسیح که مملوّ از مسیح شدند، این نفوس نیز مملوّ از حضرت بهاءالله گردند، یعنی محبت بهاءالله چنان مستولی بر اعضاء و اجزاء و ارکان آنها گردد که عالم بشریت را حکمی نماند. این نفوس جنود الهی هستند و فاتح شرق و غرب ..." (صص ۲۷-۲۸).
- ۱۴- ر.ک. حصن حصین شریعت الله.
- ۱۵- کتاب ایقان، ص ۱۴۹، نقل حدیث جابر در لوح فاطمه، از کتاب کافی.
- ۱۶- پیام بهائی، شماره ۳۲۹، صص ۱۰-۱۱.
- ۱۷- ر.ک. *From Strength to Strength*، صص ۱۱-۱۳.
- ۱۸- پیام آسمانی، ج ۲، ص ۱۱۳.
- ۱۹- میس مارثا روت از طریق روزنامه‌نگاری امرار معاش می‌کرد و جناب هایدان با نمایندگی فروش مؤسسات تجاری به تأمین زندگی مادی خود موفق بود.
- ۲۰- ر.ک. پیام آسمانی، ج ۲، صص ۱۱۳-۱۱۴.